

نگاهی به پیشینه خانواده پادشاهی حاکم بر منطقه جنوبی شام

# هاشمی‌های اردن

■ محمدمصدق حاج‌صدقی ■



پادشاه اردن عبدالله دوم و پادشاه عربستان سعودی عبدالله دوم

حسین درباره حمله به اسرائیل مذاکره کنند و او را به ملحق شدن به جنگ علیه اسرائیل دعوت کنند. با این حال پادشاه اردن آنها را رد کرد و شب ۲۵ سپتامبر مخفیانه و شبانه با هلیکوپتر به تل‌آویو رفت تا «گلدنا مایر» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی را از حمله سوریه و مصر به اسرائیل مطلع کند. در نتیجه حمله مصر و سوریه بدون کمک اردن و با خیانت ملک حسین در ۶ اکتبر ۱۹۷۳ آغاز شد و به جنگ رمضان یا جنگ «یوم کبیر» معروف شد. روز ۲۳ ماه آتش‌بسی بین طرفین اعلام شد اما درگیری‌ها تا ژانویه سال بعد ادامه یافت. ملک حسین روابط نزدیکی با محمدرضاشاه داشت به طوری که یکی از گزینه‌های جدی شاه ایران برای فرار، اردن بود. بعد از کودتا در عراق، تلاش همه‌جانبه‌ای صورت گرفت تا در اردن هم علیه ملک حسین کودتایی صورت بگیرد اما کمک‌های رژیم شاه به ملک حسین، مانع تحقق چنین امری شد. شاه در دیدار خود از اردن نیز در دی‌ماه ۱۳۵۳ تأکید کرد ایران از هیچ کمکی به اردن دریغ نخواهد کرد. «ردشیر زاهدی» (آخرین سفیر شاه در آمریکا) نیز در خاطرات خود نقل می‌کند: «هتنها ما سعی کردیم از آمریکایی‌ها برای اردن اسلحه و هواپیما بگیریم، بلکه کوشش کردیم آمریکایی‌ها را هم راضی کنیم تا قبل از آنکه آنها وسایل لازم را در اختیار اردن قرار بدهند، ما از هواپیماهای خودمان چند فروند را در اختیار اردن بگذاریم و به جای آنها از آمریکا بخریم. از لحاظ مالی هم چون آن وقت وضع مالی کشور اردن بسیار خراب و پیچیده بود و به علت درهم‌ریختگی روابط کشورهای عربی، هیچ منبع کمک‌کننده‌ای وجود نداشت تا کشور اردن سر پا بماند، لذا ما کمک‌های مالی لازم را به آنها می‌دادیم... در جریان سقوط رژیم شاهنشاهی در ایران و درست در بیهوده بجزان، ملک حسین مرتباً در واشنگتن مرا می‌خواست و ما با هم ملاقات می‌کردیم. در همان روزها چندین نامه به من نوشت و می‌خواست برای اردن از آمریکا

در حالی که تا چند روز پیش از مرگ ملک حسین، شاهزاده «حسین بن طلال» ۳۴ ساله مقام ولیعهدی اردن را در اختیار داشت، به اتهام خیانت، در تاریخ ۲۴ ژانویه سال ۱۹۹۹ میلادی از سمتش برکنار می‌شود و شاهزاده «عبدالله بن حسین» (عبدالله دوم) به جای وی منصوب می‌شود. عجیب اینکه ۲ هفته بعد ملک حسین مُرد و عبدالله به پادشاهی رسید؛ مسأله‌ای که به اعتقاد بسیاری به اصرار انگلستان صورت گرفت. شواهد بسیاری مبنی بر اینکه پدر وی یعنی ملک حسین و جد وی یعنی شریف حسین هر دو عضو گروه ماسونی «Order of the Bath» بودند نیز وجود دارد، در نتیجه با توجه به سابقه حضور اکثر اعضای خاندان پادشاهی اردن در گروه‌های ماسونی و نیز زندگی طولانی ملک عبدالله در کشورهای غربی، هیچ بعید نیست وی نیز عضو این گروه‌ها باشد. توجه ویژه انگلستان به تولد ملک عبدالله و پادشاهی وی، در نوع خود شگفت‌انگیز است. بدین نحو تا قرار دادن خانم آناتوات گاردنر بر سر راه ملک حسین و فراهم کردن شرایط ازدواج وی با ملک، زمینه را برای تولد یک شاهزاده دورگه انگلیسی- اردنی فراهم آوردند سپس با تربیت این شاهزاده در مدارس و دانشگاه‌های انگلیسی و آمریکایی و حتی آموزش وی در ارتش انگلستان تا مدارج بالا در حد سرهنگی سواره نظام سلطنتی، او را به صورت کامل برای تحقق اهدافشان در منطقه غرب در وی نهادینه کردند و سرانجام با حرکتی

**توجه ویژه انگلستان به تولد ملک عبدالله و پادشاهی وی، در نوع خود شگفت‌انگیز است. بدین نحو که پس از قرار دادن خانم آناتوات گاردنر بر سر راه ملک حسین و فراهم کردن شرایط ازدواج وی با ملک، زمینه را برای تولد یک شاهزاده دورگه انگلیسی- اردنی فراهم آوردند سپس با تربیت این شاهزاده در مدارس و دانشگاه‌های انگلیسی و آمریکایی و حتی آموزش وی در ارتش انگلستان تا مدارج بالا در حد سرهنگی سواره نظام سلطنتی، او را به صورت کامل برای تحقق اهدافشان در منطقه تربیت کردند**

حکایت از نقشه‌های شوم آمریکا و متحدانش برای تسلط بر خاورمیانه به واسطه اردن دارد: «سلطنت هاشمی در اردن کلید و متحدی بارزش در جنگ علیه افراطیون خشن باقی مانده و به طور چشمگیری به ثبات در منطقه کمک می‌کند. به دلیل تهدید فعالیت‌های تروریستی داخلی، تلاش‌های ضدتروریستی بسیاری را رهبری کرده است... اردن یک رهبر منطقه‌ای برای امنیت و آموزش ضدترور و میزبان اصلی ابتکارات برای توسعه توانایی‌های امنیتی است... موقعیت استراتژیک اردن، دید نوسازی و ایجاد امنیت پیشرفته، به این کشور نقش منطقه‌ای می‌دهد و باعث افزایش وسعت نفوذ آن می‌شود. برنامه‌های نظامی ما و کمک‌های اقتصادی، برای ادامه‌نو سازی اردن و رهبری در منطقه برای این کشور حیاتی است.»

شاه اردن نسبت به شیعیان نیز بسیار کینه‌توز است، در این میان بیش از همه از ایرانیان نفرت دارد. او اولین کسی بود که عبارت «هلال شیعی» را بر سر زبان‌ها انداخت و از خطرناک بودن آن سخن راند و طی اظهارات خود، از اینکه دولت شیعی در عراق روی کار آمده اظهار نگرانی کرده و آن را در راستای تشکیل هلالی از سرزمین‌های شیعه اعم از ایران، بخش اعظم عراق، بخش‌هایی از سوریه، لبنان و مناطق نفتخیز عربستان دانست. این سخنان ملک عبدالله نشان از کینه وی نسبت به شیعیان داشته، در حالی که هر روزه شیعیان بسیاری در عراق و نقاط دیگر جهان توسط گروه‌های تکفیری به شهادت می‌رسند، سخن او تلاشی در جهت آسیب بیشتر به شیعیان تلقی می‌شود. عبدالله همچنان نقش غیرقابل انکاری در دسایس خاورمیانه به نفع غرب دارد که از آن جمله می‌توان پنهان دانن به منافقین، دسیسه علیه حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه و بعد از آن، دست داشتن در ترور فرماندهان مقاومت همچون شهید مغنیه و... را نام برد. طی تشدید نبرد بین نیروهای مقاوم «حوثی» در یمن نیز شاه اردن تعدادی از کماندوهای کارآموده خود را به مناطق شمالی یمن اعزام کرد تا بدین وسیله کماندوهای اردنی در کنار ارتش عربستان سعودی و نیروهای مخالف انقلاب در یمن، وارد جنگ شوند. خاندان حجازی‌الاصل هاشمی از سال ۱۹۲۱

حکومتی دیکتاتوری را در اردن اداره می‌کنند، این در حالی است که برنامه‌های گسترش دموکراسی غرب هیچگاه شامل اردن نمی‌شود. حتی در تبلیغاتی که علیه اعراب می‌شود نیز هیچگاه نامی از اردن برده نمی‌شود. پایتخت‌های اروپایی روابط نزدیکی با امان دارند و جز جنگ اول خلیج فارس، همواره در کنار عربستان سعودی جنگیده‌است. در جریان جنگ داخلی دهه ۶۰ میلادی در یمن، اردن همییمان با عربستان سعودی از سلطنت‌طلبان حمایت کرد و در جریان جنگ ایران و عراق نیروهای نظامی خود را در اختیار صدام قرار داد. امروز نیز محور مواصلاتی ارسال کمک‌های عربستان سعودی و آموزش تروریست‌های فعال در سوریه و عراق است که قطعاً نمی‌تواند بی‌ارتباط با سخنان چند سال قبل ویلیام فالون در سنای آمریکا باشد.



شرف یک‌جید خاندان پادشاهی اردن

پادشاهی اردن به‌صورت جالبی در میانه میدان جنگ داعش با جهان اسلام و مردم منطقه، در امنیت کامل بسر می‌برد؛ در حالی که مرزهای آن با عراق در شرق و با سوریه در شمال در دست داعش و عرصه جنگ‌های خونین بوده است. نکته‌ای که چرایی آن ممکن است دلایل متعددی داشته باشد اما اصلی‌ترین و نزدیک‌ترین گمانه‌زنی حول آن می‌تواند رابطه حاکمیت آن با دولت‌های حامی داعش بویژه رژیم اسرائیل باشد که طولانی‌ترین و امن‌ترین(خط مرزی خود را با اردن هاشمی دارد. بویژه که اردن طی یکصد سال گذشته ثابت‌ترین کشور منطقه بوده است. حکومت عراق در این ۱۰۰ سال بارها تغییر کرده است. لبنان و سوریه عرصه جابه‌جایی‌های خونین قدرت و همچنین جنگ‌های داخلی بوده‌اند و مصری‌ها چندین بار انقلاب کردند اما «تان» از همه اینها به علاوه جنگ‌های اعراب و اسرائیل همچنین حملات رژیم صهیونیستی به همسایگانش مصون مانده است! حتی در عربستان اعتراضاتی مداوم و بعضاً درگیری‌هایی پراکنده وجود داشته اما اردن در میان کشورهایی پرخاصیت همیشه امن و امان باقی مانده است!

پادشاهی هاشمی اردن در اصل حاصل فروپاشی امپراتوری عثمانی و پادش انگلستان به «شریف حسین» حاکم مکه به خاطر نقش موثر او در رهبری جنبش‌های ناسیونالیست استقلال طلب عرب علیه دولت عثمانی است و تاریخ مجزای آن به‌عنوان مملکت اردن به سال ۱۹۲۱ بازمی‌گردد.

لفظ «هاشمی» منبعث از انتصاب آنان به بنی‌هاشم و امام حسن(ع) است که ابدا صحیح نیست و شجره‌نامه‌ای که ارائه می‌شود نیز جعلی بوده و علاوه بر مطالعات تاریخی که در این زمینه صورت گرفته (تظیر کتاب ملک عبدالله، بریتانیا و ساخت اردن- «مری کریستینا ویلسون» مورخ و استاد دانشگاه ماساچوست) سنی‌مذهب بودن آنها

و عداوت عمیقشان با شیعیان، ناقض این مدعا است. با این حال انتصابشان به قریش تا حد قابل قبولی موجه است چرا که اولاد جده آنها شریف حسین، شریف مکه بوده و شریف به پرده‌دار کعبه و در نتیجه حاکم معنوی و اجتماعی حرمین اطالی می‌شده و از آنجا که اکثر ساکنان مکه از قریشند و پرده‌داری نیز به بزرگان قوم تعلق داشته، شریف حسین می‌توانست از قریش باشد. در این میان احتمال انتساب آنها

به بنی‌امیه به‌خاطر انتخاب رنگ قرمز که منتسب به امویان است، در مقابل رنگ سبز علویان و سیاه بنی‌عباس بیشتر است. حتی رنگ قرمز در بیشتر پرچم‌های کشورهای عربی نیز مطابق دیکشنری Islamica متأثر از انتخاب رنگ قرمز توسط وی بوده است. «حسین بن علی الهاشمی» از ۱۹۰۸ پس از «علی عبدالله پاشا» که عامل عثمانی بود تا ۱۹۲۴ بزرگ حجاز بود و حاکمیت بر جهان عرب را در سر می‌پروراند تا اینکه «سایکس پیکو» سوریه و لبنان را به فرانسوی‌ها بخشید و فلسطین را نیز به یهودیان سپرد. با این حال در جریان اجلاس ۱۹۲۱ قاهره، انگلیسی‌ها عراق را به «فیصل بن علی» و اردن را نیز به «عبدالله» بخشیدند و حجاز را برای «شریف حسین» باقی گذارند لکن پس از چند سال «شرف‌العزیز آل‌سعود» را بر وی ترجیح دادند و جانب او را گرفتند تا حاکمیت حجاز به‌دست آل سعود بیفتد که در نتیجه نصیب هاشمیان از

امپراتوری عثمانی، محدود به اردن و عراق شد. عبدالله اول از ۱۹۲۱ تا ۱۹۴۶ به‌عنوان تحت‌الحمایه انگلستان بر اردن حکومت کرد. وی سال ۱۹۴۱ ارتش خود را برای یاری انگلیسی‌ها به عراق و سوریه فرستاد و بخش‌های عمده‌ای از فلسطین را نیز فتح کرد. با این حال تنها ۶ سال به صورت رسمی و مستقل از انگلستان حکومت کرد و در این ۶ سال رؤیای اردن بزرگ را در سر داشت و به همین دلیل از سوی دیگر حکام مورد سوءظن بود. با این حال پس از آغاز جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸، در کنار اعراب با صهیونیست‌ها جنگید

کمرک‌هایی را درخواست کند یا اینکه ما خودمان کمک‌هایی را در اختیار اردن بگذاریم سپس از طریق آمریکا بازیس بگیریم که متأسفانه این نامه‌ها به دست جمهوری اسلامی افتاده است». در زمان حضور حضرت امام خمینی(ره) در نوفل‌لوشاتو در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، ملک حسین پادشاه اردن به فرودگاه پاریس آمده و تقاضای ملاقات با امام خمینی(ره) را داشت اما وقتی خبر به حضرت امام می‌رسد درخواست شاه اردن را رد می‌کنند که ناشی از عمق خیابانی است که امام در این مرد می‌دیده چرا که امام حتی به دیدار با عرفات را همی نشده بودند اما پادشاه اردن را نمی‌پذیرند.

پس از انقلاب اسلامی در ایران، روابط ایران و اردن نامتعادل شد. پادشاه اردن در جنگ علیه ایران به عراق پیوست و در اولین روز جنگ در کنار صدام قرار گرفت. در جریان صلح با اسرائیل نیز اختلافات و تحرکات ۲ طرف در منطقه تناقض بیشتری یافت. ملک حسین در جریان مذاکرات صلح اردن و اسرائیل که از دهه ۶۰ میلادی آغاز شده بود، تا ۱۹۹۴ که پیمان صلح به‌صورت رسمی بسته شد، بیش از ۵۰ بار به تل‌آویو سفر کرد و به بیش از ۷ نخست‌وزیر و وزیر خارجه اسرائیل ملاقات کرد تا اینکه در اکتبر ۱۹۹۴ میان «اسحاق رابین» و شاه اردن با میانجیگری «بیل کلینتون» توافقنامه صلح امضا شد. روابط اسحاق رابین و حسین بن طلال تا آنجا پیش رفت که یکی از سخنرانان مراسم تدفین او، ملک حسین بود. حسین بن طلال ۴ بار ازدواج کرد و همسر دوم او «آناتوات اوریل گاردنر» دختر یک کلنل انگلیسی یهودی به نام «والتر پرسی گاردنر» بود که در جریان فیلم‌برداری فیلم لورنس با ملک حسین آشنا شده بودند. از این ازدواج، «عبدالله دوم» پادشاه فعلی به دنیا می‌آید اما کلنل انگلیسی بعد از جدایی مادر عبدالله از ملک حسین، به‌خاطر عدم پذیرش دین اسلام او را به انگلستان می‌برد، در نتیجه عبدالله از یک مادر یهودی متولد می‌شود و در دامان یک یهودی پرورش می‌یابد.

سال ۱۹۷۳ «حافظ اسد» رئیس‌جمهور سوریه و «نور سادات» از سوی مصر وارد آمدن شدند تا با ملک

اشاره

## کمک‌های فرهنگی دکتر منوچهر اقبال!

بهمن ماه ۱۳۴۷ برای ۲ هفته استراحت در هتل آبادان بسر می‌بردم. در آن روزها یک هیأت بازرسی قضایی در آبادان به بازرسی سازمان‌های دولتی اشتغال داشت. رئیس این هیأت، حجازی قاضی شریف دادگستری که از دوستان من بود، نیز در همان هتل بسر می‌برد و گاه با یکدیگر برخورد و گفت‌وگو داشتیم. یک شب در میان گفت‌وگوها از نتایج بازرسی از بخش اداری شرکت نفت در آبادان سخن گفت و مدیریت و نظم کارهای تقی مصدقی رئیس مناطق نفتخیز آبادان را ستود، اما گفت: «چند رقم چند صد هزار تومانی به حسن عرب که در آبادان صاحب کلباره و عشرت‌کنده بزرگی بود پرداخته است که نتوانستیم مجوز چنین پرداختی را از بودجه شرکت نفت توجیه کنیم و این برای معما شده است.» و چون تقی مصدقی از دوستان من بود از من خواست این معما را برای او حل کنم. شب دیگر برای شام میهمان مصدقی بودم. خانم مصدقی که علاوه سحرآمیز دیوارهای سالن پذیرایی را با نقش منظره‌های زیبا به صورت تابلوهای دلپذیر و بزرگ درآورده بود. پس از تماشا این منظره‌ها و گفت‌وگوهای پراکنده، من فرصتی به دست آورده، سخنان حجازی را برای مصدقی بازگو کردم. مصدقی گفت: خواهش می‌کنم فردا به دفتر من بیاید، آنجا درباره این موضوع صحبت خواهیم کرد. فردا ساعت ۹ صبح به دفتر مصدقی رفتم. پس از پذیرایی مختصر گفت: حجازی درست گفته است، چند رقم پول به حسن عرب پرداخت شده ولی به دستور مدیرعامل شرکت نفت بوده است. دکتر اقبال ۲ بار تلفنی به من دستور پرداخت چند صد هزار تومان را به حسن عرب داد ولی من از او دستور کتبی خواستم و در هر مورد مطلق دستور کتبی دکتر اقبال عمل شده و دستورهایی کتبی دکتر اقبال در کشوری میز من است. مصدقی سپس گفت: در بودجه شرکت نفت که به تصویب مجلس رسیده یک رقم بزرگ برای کمک‌های فرهنگی و اجتماعی در اختیار دکتر اقبال است و او از این رقم می‌تواند به هر کس که بخواهد کمک کند. سپس افزود: آقای حجازی هم می‌تواند بیاید و یادداشت‌های دکتر اقبال را ببیند. من این مطلب را روز دیگر برای حجازی گفتم. او هم شخصاً با مصدقی دیدار کرده و یادداشت‌های دکتر اقبال را دیده بود و در گزارش خود این نکته را به بازرسی کل کشور نوشت، ولی بازرسی کل کشور نمی‌توانست کاری بکند؛ زیرا علاوه بر نفوذ و پایگاه محکم دکتر اقبال او بر پایه بودجه مصوب مجلس سالانه یک رقم ۶۰ میلیون تومانی به نام کمک‌های فرهنگی و اجتماعی در اختیار داشت و می‌توانست از محل این اعتبار به هر سازمان یا به هر شخصی که بخواهد بخشش کند اما این بخشش‌ها بیشتر و همیشه بر پایه ملاحظات خاصی یا توصیه مقامات خاص انجام می‌شد، نه روی استحقاق، چنانکه ۲۵ هزار تومان به سراینده گمنام شهرهای سست و غلط

بی‌ارزش کتیبه داد که برای اربابان حماسه شاعرند همین رئیس‌جمهور آمریکا (آبراهام لینکلن) سروده شده و با کمک‌های نامرتب سفارت آمریکا با زیباترین چلب و کاغذ گلاسه و تصویرهای رنگین و جلدسازی نفیس چاپ شده و مورد توجه سفارت آمریکا بود. یا اینکه دکتر اقبال به یک خانم افغانی تبار خوش خط‌وخال و زبان‌باز که یک موسسه تربیتی کوچک، ظاهراً برای تعلیم چندین کودک و نوجوان معلول ذهنی و در اصل به منظور سرمایه‌اندوزی، تأسیس کرده و نام آمریکایی روی موسسه خود نهاده بود، ۲۵۰ هزار تومان پرداخت کرد و نیز از محل این اعتبار به کسانی چون عباس شاهنده، امرانی، بیوک صابر و شعبان جعفری کمک می‌رسانید یا به چند سازمان فرهنگی که نام او را روی تابلوی خود نوشته بودند یاری می‌داد، گاهی هم به بیمارستان‌ها و آموزشگاه‌ها کمک می‌شد. به بدیع‌الزمان فروزانفر هم برای تألیف شرح مثنوی و به سلطان حسین بلنده برای مسافرت به چند کشور اروپایی و به انجمن قلم که زین‌العابدین رهنما رئیس آن بود نیز از محل این اعتبار کمک می‌رسانید و از این‌گونه کمک‌ها که هر یک به مناسبت خاصی انجام می‌شد بسیار بود. یکی دیگر از محتاط‌بخشی‌های اقبال تقسیم‌زمین‌های جنگل ساعی در بهترین نقطه شمال پایتخت بود. او هنگام زمامداری با گذراندن یک تصویب‌نامه نصف بیشتر زمین‌های آن جنگل را به مساحت چند صد هزار متر دستنور تقسیم‌بندی داد و به همان ملاحظات خاص و توصیه مقامات خاص یا تمایلات خاص از طریق وزارت دارایی با یک‌دهم قیمت در اختیار اشخاص مورد نظر قرار داد. بدیهی است این محتاط‌بخشی‌ها همیشه از اموال عمومی صورت می‌گرفت، آن هم در موارد ویژه و با ملاحظات ویژه.

به نقل از: سیری در خاطرات سیاسی رجال ایران، محمود حکیمی، نشر پیدایش